بررسی فقهی و کاربردی عقد تورق در بانکداری بدون ربا

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/٤/۱۸ تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/٦/۳۱

محمدنقی نظرپور*
محمدرضا یوسفی**
سیدمحسن سجادی***

چکیده

امروزه یکی از نیازهای جدی فعالان اقتصادی تأمین نقدینگی است که در قانون عملیات بانکی بدون ربا این نیاز به‌وسیله عقدهای قرض‌الحسنه، خرید دین و سلف برآورده می‌شود. هرکدام از این عقدها با محدودیت‌هایی روبه‌رو است که به آن پرداخته می‌شود. عقد «تورق» با ویژگی‌هایی؛ مانند: تأمین منابع آزاد برای مشتریان می‌تواند مورد توجه بانک‌ها و بنگاه‌های اقتصادی قرار گیرد. تورق، عقدی است مرکب از دو بیع نسیه و نقد که هدف از آن دستیابی به نقدینگی است. عقد پیش‌گفته مدتی است در بانک‌های عربی استفاده شده و مورد استقبال بانک‌ها و مشتریان قرار گرفته است؛ اما بحث‌های فراوانی در بین اهل سنت از جهت فقهی و اقتصادی آن مطرح است.

مقاله پیش‌رو به بررسی فقهی و کاربرد بانکی عقد تورق براساس فقه امامیه و در بانکداری بدون ربا می‌پردازد. روش تحقیق، کتابخانه‌ای و براساس تحلیل محتوا است. فرضیه مقاله این است که اولاً، عقد تورق در فقه امامیه مجاز است؛ ثانیاً تورق یکی از عقدهای بانکی برای بانک و مشتریان برای تأمین نقدینگی است. همچنین در مقایسه با دیگر عقدهای بانکی بدون ربا به این نتیجه رسیدیم که تورق می‌تواند نقش مکمل مرابحه و فروش اقساطی را داشته باشد.

واژگان کلیدی: *عقد تورق، بانکداری بدون ربا، خرید دین، فروش اقساطی، قرض‌الحسنه.*

طبقه‌بندی JEL: G21, G24, G28.

*. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه مفید. Email: nazarpur@mofidu.ac.ir.
**. عضو هیئت‌علمی گروه اقتصاد دانشگاه مفید. Email: yousefi@mofidu.ac.ir.
***. کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه مفید. Email: mhsnsajjadi@gmail.com.

مقدمه

قانون بانکداری بدون ربا که در فروردین سال ۱۳۶۳ اجرایی شد، مشتمل بر عقدهای مورد تأیید اسلام است که برای تأمین مالی مشتریان بانک اقدام می‌کند. از سوی دیگر، برخی عقدها؛ مانند: مزارعه و مساقات به‌علت نبود مزارع و باغ‌ها در تملک بانک، تاکنون مورد استفاده قرار نگرفته است. عقدهای مشارکتی به‌علت ریسک بالا خیلی مورد توجه بانک‌ها نبوده، به حدی که درصد آن نیز به گواهی آمار جز در سال‌های اخیر کاهش یافته است.* همچنین هزینه نظارت بر اجرای عقدهای مشارکتی به‌وسیله بانک، می‌تواند عاملی در جهت عدم اجرای صحیح عقدها به‌وسیله بانک‌ها باشد؛ تا به این وسیله هزینه خود را برای سودآوری بیش‌تر کاهش دهند. عقدهای مبادله‌ای که ریسک پایین دارد، تأمین‌کننده همه نیازهای مشتریان نیست؛ و این امر می‌تواند باعث صوری‌شدن عقدهای بانکی شود. عقد تورق که مقاله پیش‌رو در صدد تعریف و بیان جایگاه آن در بانکداری بدون ربا است، ویژگی‌های مطلوبی دارد که می‌تواند مورد توجه بانک‌ها و مشتریان قرار گیرد.

پرسش‌هایی که در مقاله پیش‌رو به دنبال پاسخ آن هستیم:

۱. آیا عقد تورق به لحاظ فقهی (فقه امامیه) مورد قبول و تأیید است؟

۲. کاربرد بانکی عقد تورق چیست و چه ویژگی‌ها و تمایزهایی با دیگر عقدهای بانکی است؟

براساس این پرسش‌ها، فرضیه مقاله این است که؛ اولاً، عقد تورق مجوز شرعی در فقه امامیه دارد؛ ثانیاً، تورق عقدی برای بانک و مشتریان در جهت تأمین نقدینگی است.

در این مقاله ابتدا تعریف لغوی و اصطلاحی تورق بیان می‌شود؛ سپس ضمن تبیین فقهی آن از دیدگاه فقه امامیه، به دیدگاه فقیهان گذشته و معاصر درباره عقد تورق می‌پردازیم؛ آنگاه تجربه برخی بانک‌های کشورهای اسلامی در اجرای عقد تورق مطرح و در انتها ویژگی‌ها و تمایزهای عقد تورق با برخی از عقدهای مبادله‌ای در بانکداری بدون ربا بیان خواهد شد.

*. در چند سال گذشته به جهت محدودبودن نرخ سود عقدهای مبادله‌ای به ۱۴-۱۲ درصد و آزادبودن نرخ عقدهای مشارکتی بانک‌ها به‌صورت تصنعی گرایش خاصی به عقدهای مشارکتی پیدا کرده‌اند.

ادبیات موضوع

موضوع مقاله در منابع فارسی کم‌تر مورد توجه بوده؛ اما در منابع عربی و انگلیسی که به‌وسیله مسلمانان اهل سنت نگاشته شده است، به این بحث پرداخته‌اند:

یونس مصری (۲۰۰۳) پس از تعریف تورق برخی از موافقان و مخالفان این عقد را معرفی کرده، سپس قائل به تفصیل شده، فقط در صورت اضطرار معتقد به جواز این عقد می‌شود؛ البته آن هم در صورتی که سه طرف معامله (متعاملین) آگاهی به قصد متورق (نیازمند پول) از این معامله نداشته باشند، دلیل اصلی مصری در نفی عقد تورق این است که میانگین سود در تورق بالاتر از نرخ بهره است. افزون بر اینکه نیازمند بستن یک‌سری قراردادهایی است که معامله را نسبت به قرض ربوی سخت‌تر می‌کند.

عزالدین خوجه (۲۰۰۳) بین تورق فردی و بانکی تمایز قائل شده است و می‌گوید تورق فردی را جمهور فقیهان جایز می‌دانند؛ اما تورق بانکی را برخی؛ مانند: *المنیع*، *عیسی* و *اسامه بحر* جایز دانسته و برخی دیگر؛ مانند: *محیی‌الدین*، *سویلم*، *وحسان* آن را مشروع نمی‌دانند. وی تورق بانکی را حرام می‌داند؛ زیرا اولاً، اشتغال بانک‌ها به این عقدها آنها را از وظیفه‌های ذاتی بانکداری اسلامی که بر مبنای مشارکت است، باز می‌دارد؛ ثانیاً، عقد تورق به‌علت آنکه امکان صوری‌شدن دارد، می‌تواند به‌صورت حیله‌ای برای ربا مورد استفاده قرار گیرد.

قحف و *برکات* (۲۰۰۵) نیز چهار نظر درباره تورق فردی در بین اهل سنت یعنی جواز، کراهت، حرمت، و جواز مقید به اضطرار را بیان می‌کنند؛ سپس تورق فردی را جایز می‌شمارند. آنان بین تورق منظم و تورق بانکی تفکیک کرده، بیان می‌کنند که می‌توان گفت تورق منظم در سیر تکاملی تورق فردی برای سهولت دستیابی به مشتری دوم برای خرید نقدی کالا است. به‌نظر آنان تورق بانکی نیز شبیه تورق منظم و نوع خاصی از آن است که متشکل از چند عقد است. همه این عملیات در بازارهای بین‌المللی در چند دقیقه انجام می‌شود. سپس اشکال‌های برخی از انواع تورق بیان می‌کنند و در خاتمه به این نتیجه می‌رسند که تورق منظم چه بدون واسطه بانک یا با واسطه بانک، در حقیقت همان ربای حرامی است که در مذاهب اهل سنت بیان شده است و همه بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی برای پرهیز از انحراف باید آن را متوقف و ممنوع کنند.

صدیقی (۲۰۰۷) در مقاله «اقتصادیات تورق» پس از تعریف کوتاهی از تورق، نقش ابزار بدهی را در اقتصاد کلان تحلیل می‌کند که آن را ابزاری به نفع صاحبان پول و اعتبار و باعث پدیدآمدن نابرابری و ناکارایی در اقتصاد می‌داند. وی در مقاله پیش‌گفته تأکید دارد که مجاز شمردن تورق بازار بدهی را پدید می‌آورد که دارای آثار سوئی؛ مانند: حجم روبه گسترش بدهی، مبادله‌ای غیرمنصفانه به نفع صاحبان اعتبار از جهت عدم ریسک و نااطمینانی، بی‌ثباتی اقتصادی، تورم فزاینده از جهت پیوند عرضه پول به بدهی، نابرابری توزیع ثروت و درآمد، ناکارایی در تخصیص منابع، و همچنین افزایش تشویش و اضطراب در محیط است.

ویژگی مقاله پیش‌رو این است که؛ اولاً، در تمام مقاله‌های پیش‌گفته از دید فقه اهل سنت عقد تورق مورد بررسی قرار گرفته است؛ بنابراین جا داشت با لحاظ مبانی فقه امامیه این موضوع مورد بحث و بررسی قرار گرفته شود، همچنین جوانب اقتصادی اجرای این عقد در بانکداری بدون ربا در نوشته‌های پیش‌گفته به‌طور کامل مورد بررسی قرار نگرفته است؛ ثانیاً، بنیان استدلالی نوشته‌های پیشین صرف‌نظر از بند پیش قابل نقد بوده و به‌نظر نویسندگان مقاله پیش‌رو قابل پذیرش نیستند؛ در متن مقاله این دیدگاه‌ها به تفصیل بررسی شده‌اند.

تعریف لغوی تورق

تورق در لغت از ماده ورق است؛ *جوهری* می‌گوید: «وَرَق به مال اعم از شتر و دراهم و غیره گویند» و در **صحاح** آمده است: «وَرِق نقره مسکوک را گویند» (ابن‌منظور، ١٤١٤، ١٠ج، ص٣٧٦-٣٧٤). یکی از معانی اصلی ورق، مال، نقره و درهم است. بر این اساس معنای لغوی تورق که از باب تفعّل به معنای مطاوعه و اثرپذیری است، مال‌دار شدن یا نقره‌دار شدن یا درهم‌دار شدن و در مجموع پول‌دار شدن شخصی در اثر اعطای درهم به وی است.

تعریف اصطلاحی عقد تورق

تورق در اصطلاح به خرید کالا به‌صورت نسیه و فروش نقدی آن به غیرفروشنده برای دستیابی به نقدینگی اطلاق می‌شود (وزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامیة بالکویت، [بی‌تا]، ج١٤، ص١٠٤)؛ بنابراین عقد تورق حداقل سه طرف دارد:

۱. درخواست کننده تورق که در ابتدا کالایی را بـه‌صـورت نسـیه خریـداری کـرده و نقـد می‌فروشد که متورق یا مستورق نامیده می‌شود؛
۲. فروشنده اول که کالا را به متورق می‌فروشد؛
۳. خریدار دوم که کالا را به‌صورت نقدی از متورق خریداری می‌کند.

عقد تورق به دو صورت تورق فردی و تورق منظم تقسیم می‌شود:

در تورق فردی، متورق (فرد نیازمند نقدینه (پول)) خودش شخصاً به خرید نسیه‌ای کالا اقدام می‌کند و آن را به دیگری به‌صورت نقدی می‌فروشد و از این رهگذر نیاز مالی خود را تأمین می‌کند.

در تورق منظم، وکیل متورق عملیات تورق را برای مشتری (متورق) به‌گونه ذیل انجام می‌دهد:

کالا را به نسیه به متورق می‌فروشد؛ سپس وکیل مشتری برای فروش نقدی کالا به طرف دیگر می شود و ثمن نقدی را به متورق (مشتری) تسلیم می‌کند. در این حالت به جز سه طرف پیش‌گفته، شخصی حقیقی یا حقوقی به‌عنوان وکیل متورق نیز در این معامله حضور دارد. در صورتی که شخص حقوقی وکیل متورق، بانک یا مؤسسه مالی باشد این قرارداد تورق بانکی نیز نامیده می‌شود.

نام تورق بانکی یا تورق منظم از سوی پژوهشگران در این فن برای این نوع قرارداد انتخاب شد؛ اما بانک‌های عامل این معامله اسم‌های خاصی بر آن اطلاق می‌کنند؛ به‌طور مثال، بانک *الاهلی عربستان سعودی* نام «تیسیر» را انتخاب کرده و بانک الجزیره کشور عربستان «دینار» و بانک امریکایی سعودی «تورق الخیر» و بانک انگلیسی سعودی «مال» و بانک وطنی عربی در کشور عمان «تورق المبارک» به این عقد اطلاق می‌کنند؛ اما از آنجا که حقیقت همه این معامله‌ها به تورق منظم بانکی بر می‌گردد؛ می‌توان همه را تحت این عنوان قرار داد؛ زیرا اولاً، مانند بیع تورق فردی است که در آن دست‌کم سه نفر با هدف تأمین نقدینگی با هم معامله می‌کنند؛ ثانیاً، در بانک این معامله صورت می‌گیرد؛ ثالثاً، بین عده‌ای تنظیم می‌شود که هدف نهایی آن تأمین نقدینگی است (سعیدی، [بی‌تا]، ص٤).

نوع دیگری از تورق که می‌توان معرفی کرد، تورق عکسی است. تورق عکسی آن است که مستورق؛ شرکت، بانک، مؤسسه مالی باشد و نه افراد. به این صورت که بانک، شرکت

یا غیره را وکیل در خرید کالا به جای خودش می‌کند؛ سپس بانک آن کالا را برای خودش می‌فروشد (زحیلی، [بی‌تا]، ص۱۵).

یعنی برخلاف معمول که افراد خواهان تأمین مالی هستند، در اینجا بانک یا مؤسسه‌های مالی نیازمند تأمین مالی هستند. به این صورت که بانک، شرکت یا فردی را وکیل در خرید نسیه‌ای کالایی می‌کند و سپس برای دستیابی به نقدینگی، کالای خریداری‌شده را نقد به دیگری می‌فروشد.

اصطلاح تورق برای این عقد خاص فقط در کتاب‌های فقهی *حنابله* بیان شده است (بهوتی، ۱۹۹٦، ج۲، ص۲٦). معنای اصطلاحی تورق در فقه امامیه نیز مانند دیگر مذاهب اهل سنت نیامده است؛ اما از سخنان عالمان درباره بیع‌العینه می‌توان استظهار کرد؛ تورق عقدی است که در صحت آن شکی نداشته‌اند؛ زیرا شرطی را که برخی عالمان برای صحت بیع عینه بیان کرده‌اند، عبارت است از: عدم اشتراط فروشنده اول به فروش دوباره کالا به خود وی؛ بنابراین در عقدی که دست‌کم سه طرف باشند و فروشنده اول غیر از خریدار آخر باشد؛ شکی نبوده که صحیح است (موسوی‌خویی، ۱۳۷۷، ج۵، ص۳۸۲).

تبیین فقهی عقد تورق

تورق طبق آنچه در بخش پیش بیان شد، به دو صورت تورق فردی و تورق منظم قابل بررسی فقهی است. ساده‌ترین نوع تورق که تورق فردی بود، شامل دو عقد است که ابتدا فرد یا مؤسسه نیازمند به نقدینگی کالایی را به‌صورت نسیه (مدت‌دار) می‌خرد؛ سپس کالایی را که مالک شده و قبض کرده است را به دیگری نقد می‌فروشد. و به این وسیله نیاز خود را به نقدینگی بر طرف کرده و در برابر مبلغ بیش‌تری در آینده می‌پردازد. بیع نقد و نسیه هر کدام به تنهایی جایز هستند؛ اما مسئله در ترکیب این‌دو برای دستیابی به پول نقد است که آیا این حیله‌ای از حیله‌های ربا است؟ آیا هر حیله‌ای حرام است؟ چه شرط‌هایی برای حلیت این عقد لازم است؟

از سوی دیگر تورق منظم مرکب از چند عقد شامل بیع و وکالت است، ابتدا در تورق اصلی بانک کالایی مانند خودرو را از کارخانه‌های تولیدی آن می‌خرد که نخستین بیع نقدی است که صورت می‌گیرد؛ سپس با درخواست فرد نیازمند پول -که وی را متورّق

می‌نامیم- از بانک، این بانک طی عقد نسیه کالایی را که مالک است، به متورّق می‌فروشد. در ادامه بانک با قرارداد دیگری وکیل متورق برای فروش نقدی کالا می‌شود و با فروش نقدی کالا به مشتری دیگر پول به‌دست آمده را به حساب متورق واریز می‌کنید؛ البته در آنچه که تورق عکسی نامیده شد نیز اکثر عقدهای پیش‌گفته اتفاق می‌افتد؛ یعنی بانک یا مؤسسه مالی نیازمند تأمین مالی در ابتدا به‌وسیله عقد نسیه کالا را از فرد یا بنگاه تولیدی خریداری می‌کند؛ سپس در عقد بیع نقدی آن کالا را به مشتریان خود می‌فروشد و از این راه به تأمین نقدینگی خود اقدام می‌کند.

ارکان عقد تورق

تورق شامل دو عقد نقد و نسیه است و چنانکه گذشت دست‌کم سه طرف متورق، فروشنده اول و خریدار دوم در این معامله شرکت دارند. ایجاب و قبول در این قرارداد مانند همه قراردادهای دیگر می‌تواند با لفظ، نوشتار یا عملی حاکی از اراده و رضایت طرفین قرارداد به انجام این کار منعقد شود. موضوع قرارداد (مورد التورق)، کالایی است با ویژگی‌های مشخص و معیّن که واسطه در مبادله بوده و مورد قبض و اقباض اطراف معامله قرار می‌گیرد.

ضوابط عقد تورق

باید ضوابط کلی خریدوفروش نقد و نسیه در تورق رعایت شود. همه شرط‌های صحت عقد بیع، شرایط عوضین (کالا و قیمت) و متعاقدین (خریدار و فروشنده) در کتاب‌های فقهی بیان شده که در ادامه فقط به ذکر آن ضوابط بسنده شده و برای بررسی ادله آن می‌توان به کتاب‌های فقهی مراجعه کرد (انصاری، ۱٤۲۰، ج۳، ص٤۷۷-۲۷۳):

۱. خرید کالایی (موضوع مسئله تورق) براساس پرداخت معوّق (مدت‌دار)، از راه فروش مستقیم یا مرابحه باید از الزام‌های شریعت تبعیت کند؛ یعنی کالا باید حضور عینی داشته باشد و طرف فروشنده کالا باید مالکیت واقعی پیش از فروش همان کالا را داشته باشد؛ زیرا قدرت بر تسلیم کالا وجود داشته باشد و کالا نباید طلا، نقره و پول رایج باشد؛ زیرا از جمله شرایط صحت بیع صرف (خریدوفروش طلا و نقره) تحویل‌دادن کالا و پول آن در هنگام معامله است و فروش نسیه در طلا و نقره باطل است؛

۲. کالا باید معیّن و قابل تشخیص از دیگر دارایی‌های متعلق به طرف فروشنده کالا باشد یا از راه مالکیت متعلق به آن یا از راه شماره گواهی شناسایی کالا از قبیل شماره گواهی موجودی کالا، مالکیت معیّن شود؛

۳. در صورت نبود کالا در حین معامله، طرف فروشنده کالا باید برای طرف خریدار کالا مشخصات کالا- شامل توصیف یا شکل- مقدار و موقعیت آن را برای رفع غرر فراهم آورد؛

٤. طرف فروشنده کالا باید برای طرف خریدار کالا مالکیت حقیقی یا حکمی کالا در نتیجهٔ فروش را فراهم آورد. مالکیت حقیقی یا حکمی باید بدون هیچ محدودیت یا شرایطی باشد که ممکن است این مالکیت را خدشه‌دار کند. به عبارتی امکان قبض حقیقی کالا را برای مشتری فراهم کند؛

۵. فروش کالا باید با طرفی غیر از فروشنده اصلی باشد که کالا براساس پرداخت معوق (مدت‌دار) از وی خریده شده است. این امر به‌علت پرهیز از ممنوعیت فروش عینه است. کالا نباید تحت هیچ شرایطی یا از راه هر دستکاری (تقلب) یا عمل عرضی به فروشنده اصلی فروش مجدد شود (سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی، [بی‌تا]، ص۲)؛

٦. نباید هیچ ارتباطی- از راه اسناد نوشتهٔ مربوطه یا از راه عمل یا اقدام مرسوم- بین قرارداد خرید با پرداخت معوق (مدت‌دار) و قرارداد فروش نقدی کالا (یعنی موضوع مسئله تورق) به هر راهی وجود داشته باشد که بتواند حقوق طرف خریدار دارایی را که مرتبط با مالکیت آن دارایی است، نقض کند (همان)؛

۷. طرف خریدار کالا نباید طرف فروشندهٔ کالا (عامل طرف دوم) را به‌عنوان عاملش در فروش بعدی همان کالا تعیین کند. به همین ترتیب، طرف فروشندهٔ کالا نباید از سوی خریدار کالا (عامل طرف دوم) این منصب را جهت اینکه عاملی برای فروش بعدی همان کالا باشد، بپذیرد (همان، ص۳). این قید هر چند از طرف سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسه‌های مالی اسلامی بیان شده است؛ اما دست‌کم در فقه امامیه دلیلی برای اثبات آن وجود ندارد؛ زیرا مالک می‌تواند هر کسی را وکیل خود در فروش کالایش کند؛

۸. مواردی ممکن است وجود داشته باشد که در آن طرف خریدار کالا متعاقباً به‌وسیله قانون یا مقررات از فروش همان کالا محدود شده باشد؛ مگر اینکه فروش متعاقب (بعدی) به‌وسیله طرفی صورت پذیرد که کالا از وی خریداری شده است (به‌وسیله طرف فروشنده کالا). در این موارد، طرف اول ممکن است، طرف دوم را به‌عنوان عاملش جهت فروش بعدی تعیین کند، در صورتی که طرف اول، مالکیت واقعی یا صوری دارایی را داشته باشد (همان)؛

۹. در مواردی که طرف خریدار کالا، طرف سومی را به‌عنوان عاملش جهت فروش بعدی

همان کالا تعیین می‌کند، طرف سوم نباید ارتباطی با (یا اقدامی از سوی) طرفی کـه کـالا از وی خریداری می‌شود (یعنی طرف فروشنده کالا) داشته باشد (همان)؛
۱۰. طرف خریدار کالا ممکن است فروش بعدی کالا را خودش یا وکیلش که غیر از بانک یا مؤسسه مالی باشد، انجام دهد و باید با قوانین پیش‌گفته تبعیت داشته باشد (همان)؛
۱۱. طرف فروشنده کالا باید برای طرف خریدار کالا، مشخصات کالا را جهت انجـام فـروش بعدی–براساس کوشش شخصی طرف اول یا عامل خود– همان کالا، فراهم آورد (همان).

عقد تورق از لحاظ فقه امامیه

عقد تورق با این نام و ویژگی‌های در کتاب‌های فقهی امامیه بیان نشده است؛ اما عقدی که تا حدودی مشابه آن است با نام بیع العینه مورد بررسی قرار گرفته، فقیهان شیعه در این مورد نظرهای خود را بیان کرده‌اند. ما در اینجا اقوال عالمان را درباره بیع عینه ذکر می‌کنیم و با استفاده از برخی الفاظ به‌کار برده شده در بیع عینه، نظر آنان درباره بیع تورق را استخراج می‌کنیم. همچنین با توجه به جدیدبودن اجرای عقد تورق در بانکداری بدون ربا در کشورهای عربی بر آن شدیم جهت رفع ابهام و در جهت تشخیص ماهیت فقهی عقد تورق پرسش‌هایی را تنظیم و برای فقیهان و مراجع عالی‌قدر شیعه ارسال کنیم که از مجموع نظرهای فقیهان ماضی درباره بیع عینه و فتواهای معاصران درباره تورق به این نتیجه می‌رسیم که عقد تورق، همان بیع است؛ بنابراین عقدی لازم بوده و تمام خیارات بیع در آن جریان دارد. فقط برخی فقیهان تصریح کرده‌اند که در آن شرط فروش مجدد به فروشنده اول در آن نشود که در این صورت جایز نخواهد بود.

شیخ طوسی ﷺ

شیخ‌طوسی ﷺ در کتاب **النهایه** صورت‌هایی از بیع نسیه را جایز می‌شمارد که شامل بیع عینه و تورق می‌شود. وی بیان می‌دارد:

> اشکالی ندارد که انسان کالای معیّنی را مدت‌دار بفروشد؛ سپس آن را به نقد از وی بخـرد، و قیمت را به بیش‌تر از آنچه فروخته یا کم‌تر از آن موازنه کند و اگر بـه نسـیه نیـز از وی بخرد، اشکالی ندارد و تأخیر قیمت از وقت وجوبش همراه با افزایش قیمت جایز نیسـت؛ البته جلو انداختن پرداخت قیمت همراه با کاهش مقداری از قیمت هر چند مکروه اسـت؛ اما اشکالی ندارد (طوسی، [بی‌تا]، ص۳۸۸–۳۸۷).

محقق حلّی﵀

محقق حلّی﵀ نیز در بحث نقد و نسیه کتاب **شرایع** بر جواز بیع عینه غیرمشروط و بیع تورق به‌صورت غیرمستقیم اشاره می‌کند: «اگر فروشنده کالایی را نسیه فروخت؛ سپس خودش پیش از سررسید آن را خرید، با کاهش یا افزایش قیمت آن، نقد یا نسیه، در صورتی که در حال فروش شرط نکرده باشد جایز است» (محقق حلّی، ۱٤۰۹، ج۲، ص۲۸۰).

علامه حلّی﵀

علامه حلّی﵀ در **تذکره**، بیع العینه را جایز می‌داند و صورت‌هایی را که در مسئله بررسی می‌کند، شامل بیع تورق نیز می‌شود. وی می‌نویسد:

> عینه به نظر ما جایز است و شافعی نیز همین را قائل است. عینه برای ما عبارت است از فروختن به کسی که دینی بر عهده‌اش است تا آن را بفروشد؛ سپس دینش را ادا کند؛ چون این در حق دیگران جایز است پس در حق خودش هم جایز است. فروش نسیه و نقد با افزایش نسبت به قیمت کنونی گرچه دو برابر باشد، جایز است یا حتی کاهش قیمت همراه با علم مشتری، به‌دلیل اصاله الصحه، و بر طبق عمل به مقتضای عقدی که بدون غبن باشد و تفاوتی بین عینه و غیر آن نیست (علامه حلّی، ۱۳۷٤، ج۱۱، ص۲۵۵- ۲۵٤).

محمدحسن نجفی﵀

صاحب **جواهر**﵀ نیز بیع العینه را جایز می‌داند به شرط آنکه در آن شرط بر فروش دوباره به فروشنده نشود:

> و هنگامی که کالای شخصی اعم از خوراکی و غیره همراه با شرط تأخیر در پرداخت قیمت تا مدت معیّن بخرد؛ سپس به بایع یا غیر وی بعد از قبض بفروشد، پیش از رسیدن زمان مشخص، جایز است خواه به بیش‌تر از قیمت اولیه، کم‌تر یا مساوی در جنس یا غیرجنس، به‌صورت نقد یا نسیه، خواه مدت آن مساوی زمان اولی باشد یا بیش‌تر و خواه کم‌تر باشد، و در این مسئله اختلافی نیست؛ همان‌طور که در **ریاض المسائل** و **مجمع البرهان** پذیرفته شده است و دلیل بر عدم اشتراط اجماع است (نجفی، ۱۳٦۸، ج۲۳، ص۱۱۰).

شیخ مرتضی انصاری﵀

*شیخ انصاری*ﷺ در کتاب **مکاسب** عبارتی را آورده است که به صراحت شامل بیع تورق شده، آن را جایز می‌داند:

> هنگامی که کالایی را به قیمت نسیه بخرد جایز است که آن را به فروشنده‌اش [بیع عینه] و غیرفروشنده [بیع تورق] پیش از سررسید یا بعد از آن، به جنس ثمن یا غیرجنس، مساوی با کالا یا بیش‌تر یا کم‌تر از آن، به‌صورت نقدی یا نسیه بفروشد؛ مگر اینکه یکی از متبایعین در فروش اولی قبول فروشنده را در معامله دوم شرط کند (انصاری، ۱٤۲۰، ج٦، ص۲۲۵).

سیدابوالقاسم موسوی‌خویی ﷺ

*محقق خویی*ﷺ در بحث فساد یا عدم فساد معامله به‌وسیله شرط فاسد عبارتی را می‌آورد که نشان می‌دهد که عقد تورق حتی با شرط فروش به شخص ثالث، جایز است. وی می‌گوید:

> همین‌طور فروش مشروط به فروش دوباره به فروشنده، هر چند این شرط به‌دلیل روایت‌ها، عینه باطل است؛ اما خود شرط به خودی خود درست است. به همین علت اگر شرط فروش به شخص ثالثی را بکند، بی‌شک صحیح است؛ زیرا مانند شرط کار مباحی است و فقط اخبار بر بطلان شرط پیش‌گفته دلالت می‌کند، نه اینکه شرط فاسد است و باعث فساد مشروط می‌شود (موسوی‌خویی، ۱۳۷۷، ج۵، ص۳۸۲).

امام خمینی ﷺ

امام خمینیﷺ در کتاب **البیع** خود با رد تمام موارد حیله‌های ربا- از جمله بیع العینه- آن را از مصداق‌های ظلم می‌شمارد و می‌گوید: «شیخ اعظم روایت‌های وارده درباره آموزش حیله‌ها را تأیید کرده است؛ اما ما درباره این روایت‌ها دقت‌ها و سخنانی داریم که پیش از این در جایگاهش بیان کردیم» (موسوی‌خمینی، ۱٤۲۱، ج۲، ص۲٦۵).

وی باور دارد افزون بر ضعف سندی این‌دسته از روایت‌ها و معارضه با برخی دیگر از روایت‌ها، و اختلاف جزیی در متون آن، مخالف با کتاب است که ربا را ظلم شمرده است. به نظر وی افزایش در مال به‌علت افزایش در مدت به هر صورت که باشد، در عرف ربا شمرده می‌شود و تفاوتی بین دادن ده دینار به‌طور مثال، در برابر افزایش مدت که در عرف و به حسب روایت‌های ربا شمرده می‌شود، با فروش کالای یک درهمی به ده دینار، در برابر زیادکردن مدت، نیست (همان، ج۵، ص۵۲۹).

خلاصه اینکه *شیخ‌طوسی*﵀ و *علامه حلی*﵀ به جواز مطلق باور دارند و *محقق حلی*﵀، *صاحب جواهر*﵀، *شیخ‌انصاری*﵀ و *محقق خویی*﵀ به جواز مقید به عدم شرط قائل هستند؛ در حالی که گرچه *امام خمینی*﵀ در این‌باره به صراحت اظهارنظر نکرده‌اند. بر طبق قواعد مورد قبولشان و بنابر قاعده باید به عدم جواز بیع العینه فتوا دهند.

دیدگاه فقیهان و مراجع شیعه

همان‌طور که در قسمت پیشین گفته شد، به‌علت جدیدبودن عقد تورق در بانکداری بدون ربا بحث درباره آن در کتاب‌های فقهی امامیه نیامده است؛ بنابراین برای روشن‌شدن حکم فقهی مسئله پرسش‌هایی به شرح ذیل طرح کرده و نظرهای فقیهان و مراجع را درباره آن خواستار شدیم:*

۱. تورق در اصطلاح به خرید کالا به‌صورت نسیه و فروش نقدی آن به غیرفروشنده برای دستیابی به نقدینگی (پول) اطلاق می‌شود. به این صورت که کالا را به نسیه به متورق می‌فروشد؛ سپس متورق (مشتری) کالا را به‌صورت نقدی به طرف دیگر می‌فروشد و از این راه پول به‌دست می‌آورد؛

۲. صورت دوم اینکه فرد حقیقی یا حقوقی (مانند بانک) کالا را به نسیه به متورق می‌فروشد؛ سپس وکیل مشتری (متورق) برای فروش نقدی کالا به طرف دیگر می‌شود و ثمن نقدی را به متورق تسلیم می‌کند:

۱. آیا چنین عقدی صحیح است؟

۲. این قرارداد که در کشورهای عربی به عقد تورق شهرت دارد، در قالب کدام‌یک از عقدهای متعارف قرار می‌گیرد؟

۳. در صورتی که این عقد، عقد مستقلی باشد.آیا عقد لازمی است یا جایز؟

٤. در صورتی که این عقد، عقد مستقلی باشد؛ چه نوع خیاراتی در آن جاری است و شرایط صحت آن چیست؟

۵. شرکت‌های خصوصی می‌توانند این عقد را انجام دهند؟

*. نسخه اصلی پاسخ مراجع و فقیهان بزرگوار در نزد نویسندگان، موجود و قابل استناد است و رونوشت آن نیز در **فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی** به پیوست ارائه شده است.

مراجع و فقیهانی که مورد پرسش واقع شدند عبارت هستند از : حضرات آیات مرحوم *میرزاجواد تبریزی*، *سیدکاظم حائری*، *سیدمحمد حسینی‌شاهرودی*، *سیدسعید حکیم*، *سیدعلی حسینی‌خامنه‌ای*، *سیدصادق روحانی*، *سیدعلی سیستانی*، *سیدصادق شیرازی*، *لطف‌الله صافی*، *یوسف صانعی*، *محمدعلی گرامی*، مرحوم *محمد فاضل‌لنکرانی*، *حسین مظاهری*، *ناصر مکارم‌شیرازی*، مرحوم *حسینعلی منتظری*، *سیدعبدالکریم موسوی‌اردبیلی*، *حسین نوری‌همدانی* و *حسین وحید خراسانی*.

در جمع‌بندی نهایی مراجع و عالمان پیش‌گفته همه به صحت تورق بوده باور داشته، ماهیت آن را بیع می‌دانند. فقط برخی قید کرده‌اند که صوری و برای رباخواری نباشد. همچنین آن را در قالب دو عقد بیع نقد و نسیه می‌دانند که تمام خیارات و شرایط بیع را دارد. قیدهایی که برخی مراجع محترم برای این وجه آورده‌اند به شرح ذیل است:

آیت‌الله *سیدکاظم حائری*: اگر دو عقد مستقل باشند که یکی به دیگری ارتباطی نداشته باشد و دو مالک حقیقی یا وکیل آنها این کار را بکنند صحیح است، و دو عقد لازم است و تابع احکام بیع هستند.

آیت‌الله *سیدعلی خامنه‌ای*: اگر دو عقد جداگانه به‌صورت نسیه و نقد با شرایط آن ـ که در رساله‌های عملیه ذکر شده است ـ انجام گیرد، مانع ندارد و حکم دیگر موارد خریدوفروش را دارد.

آیت‌الله *لطف‌الله صافی*: چنانکه قصد جدی بر آن باشد و صوری نباشد مانعی ندارد.

آیت‌الله *حسین مظاهری*: اگر بخواهند از این راه ربا بخورند، حرام است و چون صوری است نه واقعی، باطل است و اگر نخواهند ربا بخورند دو عقد مستقل است؛ یکی نسیه و دیگری نقدی و در فقه ما به آن عینه می‌گویند و جایز است.

آیت‌الله *مکارم‌شیرازی*: چنانکه این کار طی دو معامله مستقل و به‌صورت جدی انجام شود و شرایط شرعی معامله نقد و نسیه را داشته باشد اشکالی ندارد.

آیت‌الله *وحید خراسانی*: اگر کسی چیزی بخرد و آن را تحویل نگیرد، اگر از چیزهایی است که با وزن و کیل (پیمانه) معامله نمی‌شود، می‌تواند پیش از تحویل‌گرفتن آن را بفروشد و اگر از چیزهایی است که با وزن و پیمانه معامله می‌شود؛ چنانکه به همان قیمتی که خریده

می‌خواهد بفروشد پیش از تحویل‌گرفتن می‌تواند بفروشد و اگر به قیمت بیش‌تری از آن قیمتی که خریده می‌خواهد بفروشد پیش از تحویل‌گرفتن نمی‌تواند بفروشد.

در بین اهل سنت نیز، تورق فردی را اغلب جایز می‌دانند (رشیدی، ١٤٢٥، ص٩٢-٨٠). *مجمع الفقه الاسلامی* نیز در قرار پنجم خود در مکه مکرمه به ریاست *عبدالله‌بن‌باز* حکم به جواز تورق کرد (١٤١٩ق)؛ اما این مجمع در دوره ١٩ با تجویز تورق فردی، تورق منظم و عکسی را حرام اعلام کرد؛ زیرا آن را توافقی صریح، ضمنی یا عرفی برای دستیابی به نقدینگی کنونی در برابر مقدار بیش‌تر در ذمه، بین تأمین‌کننده مالی و مستورق می‌داند و این همان ربا است (١٤٣٠ق).

هیئت حسابداری و حسابرسی مؤسسه‌های مالی اسلامی در معیار شرعی شماره ٣٠ بیان می‌کند:

> تورق از جمله صیغه‌های سرمایه‌گذاری و تأمین مالی نیست و فقط با شروطی به‌علت نیاز جایز شمرده شده است؛ بنابراین مؤسسه‌ها نباید برای نقدینگی آن را بر مضاربه، صدور صکوک سرمایه‌گذاری یا صندوق‌های سرمایه‌گذاری و ... مقدم دارند و فقط برای حفظ از عجز و کمبود در نقدینگی برای پاسخ به نیاز و پرهیز از زیان کارگرانش و سختی و مانع کارش مجاز است (هیئة المحاسبة و المراجعة للمؤسسات المالیة الاسلامیة، ٢٠٠٦، ص٤٩٣).

تجربه بانک‌های اسلامی در به‌کارگیری عقد تورق

در این بخش به مطالعه تجربه‌های برخی بانک‌های کشورهای اسلامی که در دهه گذشته از عقد تورق به‌عنوان محصولی جدید در بانکداری بدون ربا استفاده کرده‌اند، پرداخته می‌شود.

بانک‌های عربستان

بانک ریاض

بانک ریاض محصول جدید خود را تورق با کالای داخلی نامید که برای مشتریان بانک امکان دستیابی به تأمین مالی نقدی با روش اسلامی را فراهم می‌کند. بیانیه بانک به این صورت است که تورق با کالای داخلی یکی از انواع تأمین مالی است که اجازه خرید اقساطی کالایی که پیش از آن بانک، مالک آن شده است را به مشتری می‌دهد؛ سپس

مشتری (متورق) بانک را در فروش کالای داخلی و واریز وجه آن به حساب مشتری وکیل می‌کند. این محصول هماهنگ با هدف‌های بانک به‌علت کوشش دائمی بانک برای رفع نیازهای مشتریان با محصولات جدید و ابتکاری است. وجه تمایز «تورق با کالای داخلی» قبول آن از جانب هیئت شرعی بانک اسلامی* است، همچنین دستیابی به نقدینگی موردنیاز در مدت کوتاه و با روش ساده است، همراه با امکان دستیابی به مبلغ تا یک میلیون ریال سعودی است. افزون بر این اقساط متناسب با درآمد ماهانه مشتری بوده که مدت بازپرداخت تا هفت سال است که بدون نیاز به ضامن است؛ البته برای گرفتن وام از راه عقد تورق، لازم است برخی شرایط مانند داشتن حداقل حقوق ناخالص ماهیانه ۳.۰۰۰ ریال باید وجود داشته باشد.**

بانک وطنی عربی

بانک وطنی عربی خدمات بانکی اسلامی را در کنار بانکداری سنتی ارائه می‌دهد، به جز در برخی شعبه‌هایی مانند شعبه مکه مکرمه که فقط خدمات بانکی بدون ربا ارائه می‌شود. این بانک از حدود سال ۱۹۹۹م دست به یک‌سری اصلاح‌های شکلی و ساختاری زده است. در جهت کوشش برای توسعه و تنوع برنامه‌های تأمین مالی و پاسخ‌گویی به نیازها و تمایل‌های مشتریان، *بانک وطنی عربی* با همکاری شرکت *عبداللطیف* و *محمد الفوزان* به برنامه جدیدش با نام «تورق داخلی مبارک» (التورق المبارک المحلی) اقدام کرد که به مشتریان امکان دستیابی به تأمین مالی نقدی با روش موافق با احکام شریعت را می‌دهد.

شرکت *عبداللطیف* و *محمد الفوزان*، یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین شرکت‌های مصالح ساختمانی در کشور عربستان سعودی و کشورهای عضو شورای همکاری دولت‌های خلیج فارس است که شبکه‌ای با ٤٥ نمایندگی دارد که تمام کشور عربستان را پوشش می‌دهد و

*. هیئت شرعی تشکیل شده از تعدادی از عالمان در هر بانک در کشور عربستان، که بر شرعیت عقدهای بانک نظارت می‌کند. همچنین در برابر این محصول تورق با کالای بین‌المللی قرار دارد که به‌طور معمول با خرید بخشی از سهام معادن در بورس لندن اتفاق می‌افتد و برخی عالمان آن را به‌علت اینکه باعث خروج سرمایه از کشور عربستان و رونق بورس لندن می‌شود، جایز نمی‌دانند؛ بنابراین چون تورق با کالای داخلی این نقص را برطرف کرده، قبول آن از طرف هیئت شرعی بانک مورد تأکید قرار گرفته است.

**. http://www.ecoworld-mag.com/.

بانک وطنی عربی عملیات تورق را با همکاری این شرکت انجام می‌دهد تا این خدمات در دسترس همه مشتریان باشد.

به‌طور خلاصه عملیات تورق در این بانک به این صورت است که بانک طبق توافق پیشین با شرکت *عبداللطیف* و *محمد الفوزان*، مصالح ساختمانی را از کارخانه می‌خرد؛ سپس مشتری نیازمند به تأمین نقدینگی با رجوع به *بانک وطنی عربی* به میزان پول موردنیاز خود مصالح ساختمانی از بانک به‌صورت نسیه می‌خرد و پس از قبض کالا، به شرکت وکالت در فروش مصالح می‌دهد.

مزیت‌های تورق در این بانک آن است که تا سقف ۱.۰۰۰.۰۰۰ ریال امکان دستیابی به نقدینگی وجود دارد و بازپرداخت اقساط بعد از سه ماه شروع شده و مدت بازپرداخت تا ٦٠ ماه است. حداقل درآمد ماهیانه لازم برای استفاده از این تسهیلات برای کارمندان دولتی ۲.۳۰۰ ریال و برای بخش خصوصی ۲.۵۰۰ ریال و برای پیمانکاران ۱.۷۵۰ ریال است (http://www.anb.com.sa/arabic/loan_tawaruq_local.asp).

بانک الشامل بحرین

بانک شامل (رشیدی، ١٤٢٥، ص١٤٧-١٤٠) چهار مرحله برای تطبیق ابزار تورق با شریعت انجام می‌دهد. ابتدا بانک کالا را از فروشنده خریده؛ سپس کالا را به مشتری به‌صورت اقساطی می‌فروشد، بعد مشتری (متورق) بانک را وکیل خود برای فروش کالا می‌کهدد. در انتها بانک کالا را به تاجر کالا می‌فروشد.

در گام نخست بانک شامل وقتی مشتری درخواست تأمین مالی می‌کند، ابتدا انگیزه مشتری را می‌پرسد؛ سپس برخی وثیقه‌ها مانند فیش حقوقی، کارت شناسایی خواسته می‌شود. بعد قسمت تسهیلات بانک با بررسی اسناد و مطالبه‌های فرد، به امضای عقد بیع از یک طرف اقدام می‌کند (مشتری باید نوع کالا، قیمت آن، طول مدت بازپرداخت، مقدار اقساط ماهیانه را معیّن کند. افزون بر این بانک اسم مشتری، شماره حساب، جنسیت، شماره سند منزل، درآمد ماهانه پایه و فرعی و ... را از مشتری می‌خواهد). منظور از امضای یک‌جانبه آن است که مشتری به‌طور موقت امضا می‌کند؛ اما بانک به منظور حتمی‌نبودن مقدار کالا و تاریخ عقد، اوراق را امضا نمی‌کند. در ادامه بانک اقدام به خرید؛ سپس فروش

کالا می‌کند. مشتری باید عقد وکالت برای بانک را امضا کند که بانک بتواند به فروش نقدی کالا از طرف موکل خود اقدام کند.

بیت‌التمویل الکویتی

آنچه *بیت‌التمویل کویت* (همان، ص۱۵۲-۱٤۸) برای اجرای عقد تورق انجام می‌دهد را می‌توان در سه گام خلاصه کرد:

۱. اسنادی دال بر تقاضای مشتری بر بیع و تعهد به خرید کالا، الزام های هر یک از طرفین مانند خرید و حیازت کالا به‌وسیله بیت‌التمویل، اعلام به مشتری برای وجوب وفای به تعهد مبنی بر خرید و امضای قرارداد نهایی در مدت بیست روز و حق تصرف بیت‌التمویل در صورت عدم وفای به عهد از جانب مشتری. همچنین مشتری نیز ملزم می‌شود که پیش از حیازت کالا به‌وسیله بیت‌التمویل آن را مطالبه نکند، مسئولیت هر خسارتی که از جهت دادن اطلاعات غلط و غیرشرعی باشد، به عهده مشتری است؛

۲. در گام بعدی پس از امضای قرارداد به‌وسیله مشتری، بیت‌التمویل به خرید کالا با همه مشخصات معلوم و معیّن از فروشگاه اقدام می‌کند. حال بانک به‌صورت مستقیم یا وکلای بانک به‌صورت غیرمستقیم به خرید اقدام می‌کند و قیمت آن را با یکی از روش‌های شرعی مناسب پرداخت می‌کند که اغلب خرید نقدی یا از راه تأمین مالی بانکی و حساب‌های جاری است؛

۳. گام سوم فروش نسیه به مشتری اصلی (متورق) طبق قرارداد و توافق پیشین بین مشتری و بیت‌التمویل است. این گام با فروش کالا به متورق همراه با سه شرط: الف) ضرورت کنترل قیمت بعد از مساومه؛ ب) جواز بیع نسیه؛ ج) امکان فروش به‌صورت مرابحه، به اتمام می‌رسد.

مقایسه عقدهای بانکی با عقد تورق

در این بخش از جنبه بانکی به بیان مزیت‌های عقد تورق با عقد قرض‌الحسنه و عقدهایی با بازدهی ثابت پرداخته می‌شود. وجه مشترک قرض‌الحسنه و تورق در تأمین نقدینگی است؛ اما قرض‌الحسنه عقدی غیرانتفاعی است. فروش اقساطی، سلف، خرید دین و اجاره به شرط تملیک همگی مانند تورق، عقدهای با بازدهی ثابت هستند؛ اما تورق دارای

گستردگی در حوزه عملکرد و تطابق با نیاز مشتریان و برخی ویژگی‌هایی نسبت به عقدهای پیش‌گفته است که شرح آن در ذیل می‌آید.

تفاوت تورق با عقد قرض‌الحسنه

بر اساس تعریف‌های مندرج در آیین‌نامه قانون عملیات بانکداری بدون ربا و دستورالعمل اجرایی، قرض‌الحسنه اعطایی بانک‌ها مشعر بر اینکه «قرض‌الحسنه اعطایی، عقدی است که به سبب آن بانک‌ها (به‌عنوان قرض‌دهنده) مبلغ معیّنی را طبق ضوابط مقرر در این دستورالعمل به اشخاص حقیقی یا حقوقی (به‌عنوان قرض‌گیرنده)، به قرض واگذارند» در چارچوب ماده ٦٤٨ ق.م. قرار دارد و مستفاد از آن استقرار رابطه حقوقی داین–مدیون و الزام طرفین به تمامی شرایطی است که در متن قرار داد ذکر می‌شود.

برخی باور دارند که برجسته‌ترین* ویژگی نظام بانکداری بدون ربا اعطای قرض‌الحسنه با الهام از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است، ابزاری که هدف غایی آن در تأمین نیازهای ضروری و عمومی افراد جامعه بدون انتظار و دریافت سود خلاصه می‌شود، ابزاری که فارغ از دیدگاه‌های محض اقتصادی، کرامت و اعتبار معنوی خاص انسانی و اجتماعی دارد. در حقیقت اعطای قرض‌الحسنه می‌تواند برای آن‌دسته از افراد جامعه که بضاعت کافی برای تأمین نیازهای عمومی و ضروری خود ندارند، قدرت مالی موردانتظار را پدید آورد (هدایتی و دیگران، ۱۳۸۰، ص۱۱۰–۱۰۰).

به‌رغم مزیت‌های قرض‌الحسنه، این عقد در تأمین نیازهای ضروری و عمومی کاربرد دارد. با این حال نمی‌توان نیاز بخش‌های گوناگون اقتصادی به نقدینگی را کتمان کرد. عقد تورق می‌تواند این نیاز واقعی بازار را پاسخگو باشد. چون نیاز بنگاه‌های اقتصادی به نقدینگی و سرمایه در گردش به‌وسیله عقد قرض‌الحسنه نمی‌تواند تأمین شود؛ بنابراین قرض‌الحسنه؛ اولاً، در تمام فعالیت‌های اقتصادی پاسخگو نیست؛ ثانیاً، تمام نیازهای مالی بخش‌های ذکر شده در قانون را هم نمی‌تواند تأمین کند. همچنین چون قرض‌الحسنه سود

*. البته در صورتی که بانک در اقتصاد اسلامی مؤسسه‌ای انتفاعی باشد، دیگر نمی‌توان گفت برجسته‌ترین ویژگی آن عقدی غیرانتفاعی (قرض‌الحسنه) است چرا که قرض‌الحسنه برای کارهای خیر و تبرعی کاربرد دارد؛ بنابراین ممکن است گفته شود با ماهیت بانک سازگاری ندارد.

مادی برای بانک ندارد، انگیزه بانک برای اجرای این عقد در موارد تولیدی را کاهش می‌دهد. از طرفی با فرض آنکه تمام دارایی بانک‌ها از سپرده‌های مردم تأمین شود، سپرده‌گذاران در حساب‌های سرمایه‌گذاری انتظار دریافت سود دارند که با عقد قرض‌الحسنه سودی به سپرده گذاران نمی‌رسد که این امر هم باعث عدم تمایل بانک به اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه در بخش‌های تولیدی و اقتصادی برای تأمین نقدینگی می‌شود. در حالی که با استفاده از عقد تورق می‌توان تأمین مالی در تمامی بخش‌های اقتصادی و درباره همه نیازهای بخش‌های گوناگون را بانک به راحتی انجام خواهد داد؛ زیرا این عقد سود بانک و سپرده‌گذار را در بر دارد. همچنین از لحاظ مقدار بسته به اعتبار و توان بازپرداخت هر فرد، بانک می‌تواند نقدینگی موردنیاز وی را از راه عقد تورق تأمین کند.

نکته مهم‌تر آنکه، عقد قرض‌الحسنه عقدی خیرخواهانه است. فرد نیکوکار برای رفع نیازِ فرد نیازمند، پول را در اختیار نیازمند می‌گذارد (هادوی‌نیا، ۱۳۷۸، ص۵۲). در حالی که بانک مؤسسه‌ای مالی- اقتصادی است که افراد با انگیزه کسب درآمد و سود به سپرده‌گذاری اقدام می‌کنند و عقد خیرخواهانه نمی‌تواند جایگزین مناسبی برای عقدهای مرسوم در بانکداری باشد.

عقد تورق و فروش اقساطی

مطابق دستورالعمل‌های اجرایی قانون عملیات بانکی بدون ربا بانک‌ها می‌توانند منابع خود را به فروش اقساطی مسکن، مواد اولیه، لوازم یدکی و ابزار کار وسایل تولید، ماشین‌آلات و تأسیسات تخصیص دهند. ماده یک دستورالعمل اجرایی فروش اقساطی بیان می‌دارد: «مقصود از فروش اقساطی عبارت است از واگذاری عین به بهای معلوم به غیر به ترتیبی که تمام یا قسمتی از بهای مزبور به اقساط مساوی یا غیرمساوی در سررسید یا سررسیدهای معیّن دریافت شود (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی، ص۵۹). مطابق این دستورالعمل، بانک‌ها می‌توانند به منظور پدیدساختن تسهیلات لازم جهت گسترش امر مسکن واحدهای مسکونی ارزان قیمت را که به‌طور مستقیم یا از راه اعطای هر یک از انواع تسهیلات بانکی به‌وسیله آنها احداث شده باشد فقط بنابه درخواست کتبی و تعهد

متقاضیان مبنی بر خرید این‌گونه واحدها به‌صورت اقساطی به آنان به فروش برسانند. به همین صورت بانک‌ها می‌توانند مواد اولیه و لوازم یدکی و ابزار کار مصرفی و همچنین وسایل تولید، ماشین‌آلات و تأسیساتی که عمر مفید آنها بیش از یک‌سال باشد را خریداری و به‌صورت اقساطی به متقاضیان این‌گونه کالا به فروش برسانند.

در همه موارد فروش اقساطی بانک، نقداً کالا را خریداری و به‌صورت نسیه و اقساطی به متقاضی می‌فروشد. فروش اقساطی در مواردی که فرد حقیقی یا حقوقی نیاز به نقدینگی دارد کامل نیست و فرد در صورتی که عقد را به‌صورت واقعی انجام داده باشد، مجبور است برای تأمین نقدینگی موردنیاز به فروش مجدد آن کالا اقدام کند. هر چند بانک بدون توجه به نیاز واقعی فرد اقساط را دریافت می‌کند؛ اما تورق، راهی است که نیاز واقعی مشتری را هم می‌تواند مدنظر قرار داده و رضایت مشتریان را افزایش دهد.

با توجه به آنچه بیان شد آشکار می‌شود در قرارداد فروش اقساطی، لازم است ابتدا بانک کالا را تملک و سپس با این قرارداد به ملکیت متقاضی دربیاورد؛ اما در صورتی که نیاز واقعی فرد یا بنگاه تا این مرحله تأمین نشود، در بانکداری بدون ربا راه‌حلی برای ایفای نقش بانک در تأمین نقدینگی پیش‌بینی نشده است. به عبارت دیگر تورق گامی در جهت پاسخ به نیاز واقعی مشتریان در تأمین نقدینگی با روش شرعی است. در نتیجه می‌تواند راهی برای واقعی‌شدن عقدهای بانکی باشد.

تفاوت تورق با بیع دین

مراد از دین، هر مالی است که در ذمه شخص به یکی از اسباب، اعم از قرض، خریدوفروش، اتلاف، غصب و ... ثابت شده است؛ بنابراین در قرض، قرض‌گیرنده مدیون و در سلف، مبیع دینی است که در ذمه فروشنده قرار گرفته و در معامله نسیه، ثمن دینی است که در ذمه خریدار قرار گرفته است. در مواردی که انسان ضامن چیزی می‌شود نیز آن مورد در ذمه شخص ضامن قرار گرفته است (معصومی‌نیا، ۱۳۸۹، ص۹۶-۹۵).

یکی از بحث‌های مهم صدق عنوان «بیع» بر روی معامله روی دین است؛ چرا که اکثر فقیهان* عین‌بودن مبیع را شرط صحت بیع می‌دانند. دلیل وی بر این امر تبادل عرفی و صحت سلب از تملیک منفعت و تبادر است؛** یعنی عرف مفهوم بیع را درباره تملیک اعیان به‌کار می‌برد و استعمال بیع در تملیک اعیان حقیقت است و در غیر آن مجاز است؛ البته برخی (موسوی‌خمینی، ١٤٢١، ج١، ص٣٢) مالیت را در مبیع کافی می‌دانند که در این صورت عنوان «مال» بر دین صادق است. براساس اعتبار عین‌بودن مبیع، چون عین یا خارجی و فیزیکی است یا کلی که در ذمه فرد قرار می‌گیرد؛ دین هم از امور اعتباری است که در ذمه قرار می‌گیرد؛ بنابراین آن را ملک، مملوک می‌دانند. پس عاقلان آنچه را طلبکار در ذمه بدهکار دارد، ملک وی دانسته و قابل نقل‌وانتقال و خریدوفروش می‌دانند.

محل نزاع فقهی درباره بیع دین، چگونگی وقوع آن است. بیع دین صورت‌های فراوانی دارد که مهم‌ترین آنها عبارت هستند از: بیع دین حال (سررسید شده) به بدهکار، بیع دین حال به غیربدهکار و بیع دین مؤجل (که سررسید آن فرا نرسیده است). قسم نخست آن از نظر همه فقیهان جایز است (نجفی، ١٣٦٨، ج٢٤، ص٣٤٤)، و فروش دین سررسید شده به غیر بدهکار را نیز همه به غیر از *ابن‌ادریس* (ابن‌ادریس، ١٤١٠، ج٢، ص٣٨) جایز می‌دانند؛ اما فروش دین پیش از سررسید را برخی به‌طور مطلق (یعنی تفاوتی بین بدهکار و غیربدهکار قائل نشده‌اند) جایز نمی‌دانند (نجفی، ١٣٦٨، ص٣٤٨-٣٤٤). در برابر این نظر، عده فراوانی (حسینی‌عاملی، [بی‌تا]، ج٥، ص٢١) قایل به جواز بیع دین مؤجل مانند بیع دین حال هستند و باور دارند که دین مؤجل حق مالی است؛ بنابراین بیع آن جایز است و خرید دین از جهت فقه امامیه مورد پذیرش مشهور فقیهان است.

تا سال ١٣٨٩ از لحاظ قانونی خرید دین در عقدهای مصوب مجلس شورای اسلامی نبود؛ اما شورای نگهبان به‌صورت موقت اجازه انجام خرید اسناد تجاری را می‌داد. بنابه تعریف اسناد تجاری به آن‌دسته از اسناد و اوراق بهادار اطلاق می‌شود که مفاد آن از بدهی ناشی از معامله‌های تجاری حاکی باشد. بانک‌ها می‌توانند به منظور فراهم‌ساختن تسهیلات

*. «لاخلاف و لااشکال فی اعتبار کون المبیع عیناً و لذا اشتهر بینهم انه لنقل الأعیان کإشتهار کون الإجارة لنقل المنافع» (نجفی، ١٣٦٨، ج٢٢، ص٢٠٨).

**. تبادر و صحت سلب از علایم شناخت حقیقت از مجاز در کتاب‌های اصولی معرفی شده است.

لازم جهت واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی اسناد و اوراق تجاری متعلق به این قبیل واحدها را طبق ضوابط این آیین‌نامه تنزیل کنند. تنزیل این اسناد در صورتی به‌وسیله بانک‌ها مجاز است که سررسید آنها بیش از یک‌سال نباشد و جنبه صوری (غیرواقعی) نداشته باشد (هدایتی و دیگران، ۱۳۸۰، ص۲٤٥). از سال ۱۳۸۹ در ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم توسعه ج.ا.ا قرارداد خرید دین به قانون اضافه شد.

از تعریف پیش‌گفته مشخص است که خرید دین به‌صورت ابزار بدهی به‌گونه‌ای است که معامله اولی باید در خارج بانک صورت گیرد و شخص متقاضی تسهیلات باید پیش از آن طلبکار باشد؛ سپس با فروش اسناد بدهی خود به بانک، به تأمین نقدینگی موردنیاز خود اقدام کند؛ بنابراین خرید دین معامله‌ای است که یک طرف آن یعنی بیع نسیه اولیه باید در خارج از بانک صورت گیرد و تقاضای افرادی که مطالباتی به‌صورت اوراق تجاری ندارند و از طرفی به نقدینگی برای تأمین حقوق و دستمزد نیاز دارند، را پاسخ‌گو نیست.

اما در عقد تورق، بانک می‌تواند نقش فعال در تأمین نقدینگی مشتریان بر عهده گیرد. به عبارت دیگر تأمین سرمایه در گردش برای پرداخت حقوق و دستمزد، بدهی نیست که اوراق بهادار برای اثبات آن داشته باشد. از طرفی نیاز واقعی در تقاضای پول است که از فاصله زمانی بین پرداخت‌ها و دریافت‌ها ناشی است. در این مورد و موارد مشابه عقد تورق می‌تواند، به‌عنوان ابزاری کارامد، نیاز افراد و بنگاه‌های تجاری به نقدینگی را تأمین کند.

از آنجا که نیاز به نقدینگی در اقتصاد امروز، امری واضح و واقعی است؛ برخی از افرادی که در این‌باره پژوهش می‌کنند، بیع دین را راهکاری مهم در جهت تأمین مالی دولت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی می‌دانند و می‌گویند که یکی از مسائل مهم دین به‌ویژه در عصر حاضر، امکان خریدوفروش دیون و مطالبه‌های مدت‌دار است. اگر بیع دین به‌ویژه به کم‌تر از قیمت اسمی به شخص ثالث (تنزیل) صحیح باشد، راهکار مهمی جهت تأمین مالی در اختیار دولت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی قرار می‌گیرد. دولت و فعالان اقتصادی می‌توانند مطالبه‌های مدت‌دار خود از شرکت‌ها، مؤسسه‌ها، اشخاص حقیقی و حقوقی را به‌صورت اسناد متحدالشکل درآورده و در صورت لزوم در بازار بفروشند و از این راه نیازهای کوتاه‌مدت خود را به نقدینگی تأمین کنند (موسویان، ۱۳۸٦، ص۲۰٤).

باید گفت عقد تورق چنانکه گذشت، از لحاظ فقه امامیه هیچ اشکالی نداشته و مشهور فقیهان معاصر این عقد را صحیح می‌دانند. در حالی که صحت بیع دین به‌ویژه پیش از سررسید اختلافی است (همان، ص۲۰۵)؛ بنابراین تورق راحت‌تر می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

نکته مهم این است که صحت خرید دین طبق فتوای مشهور به واقعی‌بودن دین منوط است؛ بنابراین لازم است بانک از واقعی‌بودن این اسناد اطمینان پیدا کند و این مشکل جدی برای بانک‌ها است و در صورت واقعی‌نبودن در بسیاری از صورت‌ها، غوطه‌ور در ربا می‌شود؛ اما در عقد تورق که به‌طور کامل سرچشمه بدهی شخصی و در اثر انجام معامله شخصی و فعلی است، مشکل‌های خرید دین نخواهد بود.

نکته دیگر اینکه بیع دین با ریسک عدم پرداخت از جانب مدیون و واگذارنده اوراق بدهی روبه‌رو است؛ بنابراین برای کاهش ریسک لازم است، در ضمن معامله و خرید دین از طلبکار، با وی شرط شود، هرگاه مدیون در سررسید درباره پرداخت بدهی خود اقدام نکرد فروشنده سند اقدام کند (هدایتی و دیگران، ص۲٤٦). در حالی که در عقد تورق از ابتدا شخص نیازمند نقدینگی با انجام خرید نسیه متعهد به پرداخت بدهی می‌شود؛ بنابراین نیازی به شرط ضمن عقد نیست. امر پیش‌گفته می‌تواند باعث سهولت عقد شده و با کم‌بودن ریسک عدم بازپرداخت از ابتدا باعث استقبال بانک‌ها، برای ارائه این تسهیلات در جهت تأمین نقدینگی موردنیاز افراد و بنگاه‌ها باشد.

بنابراین با توجه به اینکه عقد تورق جزو عقدهای مبادله‌ای است و سودآوری آن برای مشتریان و بانک حتمی‌تر است، می‌تواند راهکاری مناسب و کارا در جهت تأمین نقدینگی مشتریان باشد و با توجه به تصویب خرید دین در قانون برنامه پنجم توسعه ج.ا.ا، تورق می‌تواند مکمل آن بوده و کارایی بانک را افزایش دهد.

تفاوت تورق با سلف

منظور از معامله سلف پیش‌خرید نقدی محصولات تولیدی به قیمت معیّن است (با توجه به ضوابط شرعی) (ماده ٤٠ آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا) بانک‌ها می‌توانند، به منظور فراهم‌ساختن تسهیلات لازم جهت تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی، اعم از اینکه مالکیت این واحدها متعلق به شخص حقیقی یا حقوقی باشد، فقط

بنابه درخواست این‌گونه واحدها پیش‌خرید محصولات تولیدی آنها مبادرت ورزد (ماده ٤١ آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا).

عقد تورق می‌تواند سرمایه در گردش بخش‌های دیگر اقتصاد؛ مانند: خدمات و بازرگانی را هم تأمین کند. بانک با این عقد می‌تواند در قراردادهایی با ریسک کم‌تر به تأمین مالی بخش عمده‌ای از بنگاه‌های اقتصادی بپردازد؛ زیرا برای بخش بازرگانی بیش‌تر قراردادها در قالب عقدهای مشارکتی تعریف شده است که ریسک آن برای بانک بالاتر از عقدهای مبادله‌ای است. از طرفی با توجه به نرخ بالاتر بازپرداخت آن، انگیزه‌ای برای استفاده از این عقدها در بازرگانی وجود ندارد؛ بنابراین کارکرد عقد تورق مانند عقد سلف تأمین نقدینگی بوده؛ اما برای بخش‌های دیگر اقتصادی مانند: خدمات و تجارت است. واضح است که بخش‌های غیرتولیدی لزوماً به معنای غیرمفید بودن آن بخش نیست. از سوی دیگر در برخی بخش‌های تولیدی مانند کشاورزی نیز به‌علت ریسک بالای آن بانک به سادگی حاضر به انجام معامله سلف با تولیدکننده نیست که در این‌باره نیز عقد تورق می‌تواند راه‌گشا باشد. همچنین در بخش خرید برخی کالاهای موردنیاز عمده‌فروشان بانک به‌وسیله عقد تورق می‌تواند شبیه اعتبار اسنادی LC* در بازرگانی خارجی عمل کرده و نیاز تاجران داخلی به نقدینگی را برطرف کند.

ماده واحده پیشنهادی

برای به‌کارگیری عقد تورق در قانون عملیات بانکی بدون ربا می‌توان ماده واحده‌ای را به‌صورت ذیل به تصویب رساند:

> بانک‌ها می‌توانند به منظور فراهم‌ساختن تسهیلات لازم جهت تأمین نقدینگی بخش‌های صنعت، معدن، مسکن، کشاورزی و خدمات برای متقاضیان اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی، خصوصی و دولتی و بخش عمومی، بنابه درخواست آنان براساس قرارداد تورق متعهد شده و در صورتی که خود بانک‌ها با کمک مؤسسه‌ها و نهادهای در اختیار بتوانند

*. اعتبار اسنادی در بازرگانی خارجی استفاده می‌شود. بانک از راه اعتبار اسنادی تضمین می‌کند که واردکننده، بهای کالای وارداتی را به صادرکننده می‌پردازد. بانک از راه اعتبار اسنادی ارزش اعتباری خود را جایگزین ارزش اعتباری واردکننده کالا می‌کند (مجتهد و حسن‌زاده، ١٣٨٤، ص٣٩٤).

این‌گونه تأمین نقدینگی را برای اشخاص حقیقی یا حقوقی بخش خصوصی اجرا کنند، تورق اصلی (تورق بانکی) محقّق می‌شود و در صورتی که خود بانک‌ها یا بخش دولتی نیازمند تأمین نقدینگی باشد، از راه قرارداد تورق عکسی نیاز به نقدینگی مرتفع می‌شود.

جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با تحقیق در نظرهای فقیهان متقدم و استفتاء از فقیهان معاصر امامیه مشخص شد که عقد تورق فردی و بانکی جایز است. همچنین با مقایسه عقد تورق با برخی عقدهای مبادله‌ای موجود در قانون عملیات بانکی بدون ربا، معلوم شد؛ تورق بهترین عقد بانکی برای تأمین نقدینگی و در اختیار قرار دادن منابع آزاد برای تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌های اقتصادی است و نتیجه‌های ذیل به‌دست آمد:

۱. عقد تورق همان‌طور که در مقاله گفته شد، عقدی است مرکب از دو عقد بیع نسیه و نقد که فرد نیازمند نقدینگی (متورق) را قادر می‌سازد از راه شرعی و به‌وسیله نظام بانکی بدون ربا به نقدینگی موردنیاز خود دست یابد؛

۲. این عقد طبق آنچه در مقاله آمد، مورد قبول مشهور فقیهان شیعه است. از جهت نظام بانکی این عقد حلقه مفقوده عقد فروش اقساطی است که می‌تواند به واقعی‌شدن عقدها براساس نیاز مشتریان کمک کند؛

۳. عقد قرض‌الحسنه از جهت ماهیت و محدودیت‌های قانون عملیات بانکی نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیاز تاجران و بنگاه‌های اقتصادی برای تأمین نقدینگی موردنیاز آنان باشد؛

٤. عقد سلف نیز که برای تأمین نقدینگی است در تمام فعالیت‌های اقتصادی قابل استفاده نیست؛ زیرا تولیدهای برخی بنگاه‌ها به سادگی قابل سوددهی و بازدهی سریع نبوده و ریسک بانک را افزایش می‌دهد و در برخی تولیدها مانند بخش خدمات قابل پیش‌فروش نیست تا بتواند از راه سلف، تأمین مالی شود؛

۵. عقد خرید دین هر چند برای تأمین نقدینگی قابلیت کاربرد دارد؛ اما اولاً، این عقد گرچه از جهت فقهی مورد پذیرش مشهور فقیهان است؛ اما برخی فقیهان امامیه قبول ندارند؛ ثانیاً، همه نیازهای به نقدینگی را پوشش نمی‌دهد چون همه اسناد تجاری در اختیار ندارند.

براساس کارکردهایی که برای عقد تورق در مقاله پیش‌رو اثبات شد، پیشنهاد می‌شود این عقد در قانون بانکداری بدون ربا مورد توجه قرار گیرد. همچنین مزیت‌ها و عیب‌های به‌کارگیری تورق در بانکداری بدون ربا بررسی شود.

منابع و مآخذ

*. قرآن کریم.

۱. ابن‌ادریس حلّی، محمدبن‌منصوربن‌احمد؛ **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**؛ ج۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱٤۱۰ق.

۲. ابن‌مفلح، ابراهیم‌بن‌محمد؛ **المبدع شرح المقنع**؛ ج۳، ریاض: دارعالم الکتب، ۱٤۱۸ق.

۳. ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم؛ **لسان العرب**؛ ج۱۰، بیروت: دارالصادر، ۱٤۱٤ق.

٤. ابن‌یونس بهوتی، منصور؛ **شرح منتهی الإرادات المسمی دقائق أولی النهی لشرح المنتهی**؛ ج۲، بیروت: عالم الکتب، ۱۹۹٦م.

۵. انصاری، مرتضی؛ **کتاب المکاسب**؛ ج۳، ٤ و٦، قم: المؤتمر العالمی بمناسبة الذکری المئویة الثانیة لمیلاد الشیخ الأنصاری ﷺ، ۱٤۲۰ق.

٦. حسینی‌عاملی، سیدمحمدجواد؛ **مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامه**؛ ج۵، بیروت: داراحیاء التراث العربی، [بی‌تا].

۷. حلّی، جعفربن‌حسن؛ **شرایع الاسلام**؛ ج۲، تهران: انتشارات استقلال، ۱٤۰۹ق.

۸. حلّی، حسن‌بن‌یوسف؛ **تذکرة الفقهاء**؛ ج۱۱، قم: مؤسسه آل‌البیت ﷺ، ۱۳۷٤.

۹. رشیدی، احمدفهد؛ **عملیات التورق و تطبیقاتها الاقتصادیة فی المصارف الاسلامیه**؛ اردن: دارالنفائس، ۱٤۲۵ق.

۱۰. زحیلی، وهبه؛ «التورق حقیقته، انواعه»؛ **مجمع الفقه الاسلامی الدولی**، دوره۱۹، [بی‌تا].

۱۱. زمخشری، محمودبن‌عمر، **الفائق فی غریب الحدیث**؛ ج۲، لبنان: دارالفکر، ۱۹۷۹م.

۱۲. سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی؛ **متن پیش‌نویس استاندارد شریعت: تورق**؛ ترجمه مصطفی زهتابیان و مجید پیره؛ [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].

۱۳. سعیدی، عبدالله‌بن‌حسن، **التورق کما تجریه المصارف فی الوقت الحاضر**؛ [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].

۱٤. طریحی، فخرالدین؛ **مجمع البحرین**؛ ج۵، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵.

۱۵. طوسی، محمدبن‌حسن؛ **النهایة**؛ قم: انتشارات قدس، [بی‌تا].

١٦. فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد؛ **العین**؛ ج۵، قم: هجرت، ١٤٠٩ق.
١٧. قحف، منذر و عماد برکات؛ **التورق المصرفی فی التطبیق المعاصر**؛ اردن: قسم الاقتصاد والمصارف الاسلامیة جامعة الیرموک، ٢٠٠٥م.
١٨. مجتهد، احمد و علی حسن‌زاده؛ **پول و بانکداری و نهادهای مالی**؛ تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، ١٣٨٤.
١٩. المجمع الفقه الإسلامی؛ **القرار الخامس**؛ الدورة الخامسة عشر؛ مکة المکرمة: [بی‌نا]، ١٤١٩ق.
٢٠. ـــــــــ؛ **قرار رقم ١٧٩**؛ الدورة التاسعة عشر، امارة الشارقة: [بی‌نا]، ١٤٣٠ق.
٢١. مصری، رفیق یونس؛ **التورق فی البنوک**؛ جده: ندوة الحوار الاربعاء، ٢٠٠٣م.
٢٢. معصومی‌نیا، علی؛ **ابزارهای مشتقه بررسی فقهی و اقتصادی**؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ١٣٨٩.
٢٣. مقری‌فیومی، احمدبن‌محمد؛ **المصباح المنیر**؛ قم: هجرت، ١٤١٤ق.
٢٤. موسویان، سیدعباس؛ «ارزیابی عملکرد سپرده‌های بانکی در بانکداری بدون ربای ایران»؛ **مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بانکداری اسلامی**؛ تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران، ١٣٨٣.
٢٥. موسویان، سیدعباس؛ **ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)**؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ١٣٨٦.
٢٦. موسوی‌خمینی، سیدروح‌الله؛ **کتاب البیع**؛ ج١، ٢ و ۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ﷺ، ١٤٢١ق.
٢٧. موسوی‌خویی، سیدابوالقاسم؛ **مصباح الفقاهة**؛ ج۵، قم: منشورات المکتبة الداوری، ١٣٧٧.
٢٨. نجفی، محمدحسن؛ **جواهر الکلام**؛ ج٢٤-٢٢، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ١٣٦٨ش.
٢٩. نظرپور، محمدنقی؛ **ماهیت فقهی و کارکرد بانکی عقد استصناع و معرفی اوراق استصناع، ابزاری برای سیاست مالی و پولی**؛ رساله دکترای اقتصاد، قم: دانشگاه مفید، ١٣٨٧.
٣٠. وزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامیة بالکویت؛ **الموسوعة الفقهیة الکویتیة**؛ کویت: [بی‌نا]، [بی‌تا].

۳۱. هادوی‌نیا، علی‌اصغر؛ **قرض‌الحسنه و آثار اقتصادی آن**؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸.
۳۲. هدایتی، سیدعلی‌اصغر و علی‌اصغر سفری، حسن کلهر، محمود بهمنی؛ **عملیات بانکی داخلی-۲**؛ تهران: مؤسسه عالی بانکداری، ۱۳۸۰.
۳۳. هیئة المحاسبة و المراجعة للمؤسسات المالیة الاسلامیة؛ **المعاییر الشرعیة**؛ منامه: [بی‌نا]، ۲۰۰۶م.

34. Siddiqi, Mohammad Nejatullah; **Economics of Tawarruq**; 2007.
35. http://tsd.cbi.ir/IntTSD/Display/Display.aspx.
36. http://www.anb.com.sa/arabic/loan_tawaruq_local.asp.
37. http://www.ecoworld-mag.com/.